

## بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با رفتار انتخاباتی

### دانشجویان

محمد رضا طالبان<sup>۱\*</sup>، مهدی میرزایی<sup>۲</sup>

(تاریخ دریافت ۸۹/۹/۱۶، تاریخ پذیرش ۸۹/۱۲/۹)

#### چکیده

رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی به عنوان سؤال اصلی این تحقیق، پس از مشاهده نتایج متناقض برخی تحقیقات در این باره مطرح شد. در این تحقیق اثر میزان دینداری بر رفتار انتخاباتی در دو سطح گرایش و مشارکت تحلیل شده است. براساس مروری بر پیشینه نظری و تجربی تحقیق، دو فرضیه مطرح شده که فشرده آنها بدین شرح است: دینداری قوی به مشارکت بیشتر و رأی دادن به اصول‌گرایان منجر می‌شود و دینداری ضعیف به مشارکت کمتر و رأی دادن به اصلاح‌طلبان می‌انجامد. روش تحقیق، پیمایش و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه است. جمعیت تحقیق، دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس است و از میان آنها ۳۷۶ نفر به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شده‌اند.

در تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی همچون میانگین و جدول‌های توزیع فراوانی و نیز روش‌های تحلیلی مانند آزمون تی، تحلیل رگرسیون خطی و لجستیک استفاده شده است. نتایج تحقیق هر دو فرضیه را تأیید می‌کند. میزان دینداری اثر معناداری بر رفتار انتخاباتی (گرایش رأی‌دهی و میزان مشارکت افراد در انتخابات) دارد؛ به این صورت که میزان دینداری بیشتر به رأی دادن به اصول‌گرایان و مشارکت بالاتر در انتخابات منجر می‌شود و دینداری کمتر نیز موجب رأی دادن به اصلاح‌طلبان و مشارکت کمتر در انتخابات می‌شود.

\*qtaleban@yahoo.com

۱. عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی انقلاب پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس

**واژه‌های کلیدی:** میزان دینداری، رفتار انتخاباتی، مشارکت در انتخابات، گرایش رأی‌دهی.

## ۱. بیان مسئله

رفتار رأی‌دهی شاید محدودترین و شاید قدیمی‌ترین معنای رفتار سیاسی باشد و متداول‌ترین کاربرد این اصطلاح در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی نیز همین است. برای مثال، نخستین جمله گزارش لازارسفلد و همکارانش درباره انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۴۰م این است: «گزارشی است درباره رفتار سیاسی آمریکای امروز». بعضی از صاحب‌نظران علوم سیاسی بر این عقیده‌اند که این اصطلاح فقط رفتار افراد را دربرمی‌گیرد؛ رفتاری که داده‌های مربوط به افراد، و نه داده‌های کلی (از قبیل نتایج انتخابات) آن را آشکار می‌کند (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۴۴۳). بنا به تعریف‌های مختلف رفتار انتخاباتی، می‌توان آن را «اعمال ترجیحات سیاسی رأی‌دهندگان دانست که اولین گام آن مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات است.» (لیپست، ۱۳۸۳: ۷۶۲؛ پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ۱؛ شهیدی‌نیا، ۱۳۷۹: ۴). بنابراین، در این تحقیق، دو سطح و یا دو نوع رفتار انتخاباتی قابل بیان است: «میزان مشارکت» و «گرایش رأی‌دهی» (ترجیحات رأی‌دهی).

کمبود کار تحقیقی درباره رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی در داخل کشور ضرورت و اهمیت درجه اول این تحقیق است. از سوی دیگر، شاهد بحث‌ها و تحقیقاتی در مورد اهمیت سیاسی دین هستیم؛ در همین باره برگر (۱۳۸۰: ۲۷-۲۹) نیز با تجدیدنظر در نظریات قبلی خود در باب سکولاریسم، از افول آن صحبت می‌کند. وی عصر حاضر را «عصر جهانی دین» می‌نامد و می‌گوید «نمی‌توان گفت ما در جهان دنیوی‌شده زندگی می‌کنیم و دنیا به جز چند پنداشت، پر از احساسات دینی است.» برگر تأکید می‌کند از نقش و جایگاه دین در تحلیل مسائل جهان غفلت شده است. او نشان می‌دهد جهان امروز جهانی به‌شدت دینی است؛ بنابراین نمی‌توان از نقش و اهمیت دین در تحلیل مسائل جهان که سیاست هم بخشی از آن است غفلت کرد. همچنین در سایه این بحث‌ها و نظریات پردازان و صاحبان اندیشه، شاهد تحقیقات بی‌شمار و بسیار جدی در این زمینه در خارج از کشور هستیم (در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم). با نگاهی به محتوای تحقیقات انجام‌شده نیز می‌توان به این نکته پی برد که در تمام آن‌ها دین و دینداری عوامل بسیار تأثیرگذار در رفتار سیاسی (مشارکت، رفتار

رای‌دهی و...) افراد و از متغیرهای قابل ملاحظه در تحقیقات مربوط به تحکیم دموکراسی است (Busch, 1998; Kim, 2006).

رفتار انتخاباتی تحت تأثیر عوامل متعددی همچون فرهنگ سیاسی (آل غفور، ۱۳۷۵: ۱۱۷-۱۱۸)، جهت‌گیری اقتصادی-سیاسی (احمدی، ۱۳۷۹: ۱۵۸-۱۵۹)، طبقه اجتماعی (اینگلهارت، ۱۳۶۹: ۱۵)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (شغل، درآمد و سطح تحصیلات)، محل سکونت (شهر یا ده)، تعلق مذهبی (لازرسفلد و دیگران، ۱۳۸۲: ۲۷-۴۴)، مذهب (مونتی، ۱۳۷۲: ۸۵؛ Lipset, 1964) و... قرار دارد. چنان‌که ملاحظه می‌شود عامل دین یا جهت‌گیری دینی از عوامل تعیین‌کننده رفتار انتخاباتی است.

مسئله این تحقیق از نتایج و اطلاعات متناقض درباره رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی برآمده است (رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی یک امر جدلی یا پروبلماتیک به‌شمار می‌آید). دیدگاه برخی تحلیل‌گران سیاسی بریتانیا از جمله آلفورد (1967; 1973)، پالز (1967)، باتلر و استوکس (1969) و نتایج بعضی تحقیقات (Kim, 2006) بر این است که دین بر رفتار انتخاباتی اثری ضعیف دارد و یا هیچ اثری بر آن ندارد. به عقیده این دسته از دانش‌پژوهان، عامل اصلی و تعیین‌کننده رفتار انتخاباتی «طبقه اجتماعی» است؛ به‌طوری‌که تحلیل‌های بعدی نیز در مورد تأثیرگذاری طبقه اجتماعی بر رفتار انتخاباتی، نقش دین را نادیده یا ناچیز شمرده‌اند (Heath Et. al, 1985; Barthe, 1988; Sarlvick & Crewe, 1983; Rose & McAllister, 1986). درمقابل، نتایج تحقیقات بسیاری دین و دینداری را از عوامل اصلی شکل‌دهی به رفتار انتخاباتی معرفی می‌کنند. تمام ادیان، هنجارها و ارزش‌های خاص خود را از طریق آیین‌ها و مناسک و یا در متون خود در قالب یک جهان‌بینی خاص به پیروان خود عرضه می‌دارند؛ جهان‌بینی‌ای که عرصه‌های مختلف زندگی انسان، از جمله عرصه سیاسی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. البته باید توجه داشت داعیه سیاسی مذاهب مختلف به یک میزان نیست.

بررسی نتایج داده‌های مطالعات تطبیقی نظام‌های انتخاباتی<sup>۱</sup> نشان می‌دهد دین هنوز در مقایسه با هریک از شاخص‌های پایگاه اقتصادی-اجتماعی، شاخص قوی‌تر و پیوسته‌تری در ارتباط با ترجیح انتخاباتی است. در مدل ادغام‌شده ۳۲ کشور که در مطالعات CSES به‌کار برده شده و در آن ۳۷ انتخابات ریاست جمهوری و مجلس از اواسط تا اواخر دهه

1. Comparative Study of Electoral System (CSES)

۱۹۹۰م مقایسه شده‌اند، تقریباً سه‌چهارم (۷۰ درصد) از مؤمن‌ترین مردم [۱] به احزاب مذهبی (راست) رأی داده‌اند و در مقابل، از میان غیرمذهبی‌ترین گروه [۲] کمتر از نیمی (۴۵ درصد) به حزب راست رأی داده‌اند. شکاف قابل توجه ۲۵ درصدی انتخابات براساس دینداری، قوی‌تر از آن است که با هریک از شاخص‌های پایگاه اقتصادی- اجتماعی نظیر تحصیلات، طبقه اجتماعی یا درآمد به وجود آمده باشد. در میان همه انتخابات‌های مورد مطالعه در CSES، رأی‌دهندگان کاتولیک در مقایسه با پروتستان‌ها با احتمال بیشتر و به‌طرز معناداری به احزاب راست رأی داده‌اند و بی‌دینان بیش از همه گروه‌های اجتماعی موردبررسی به احزاب چپ رأی داده‌اند. دینداری به‌ویژه در فلسطین اشغالی، هلند و بلژیک- همه کشورهای که اختلافات مذهبی در آن‌ها مدت‌های طولانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های گسیختگی اجتماعی بوده است- با ترجیح انتخاباتی ارتباط قوی داشته است؛ این موضوع در مورد کشورهای کمونیست سابق مثل مجارستان و جمهوری چک نیز صادق بوده است (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۲۸۹-۲۹۰).

در جامعه ایران نیز رفتار انتخاباتی شاید بیش از هر چیز، تحت‌تأثیر جهت‌گیری‌های دینی افراد باشد و یا به‌عبارت دیگر رابطه معناداری بین این دو وجود داشته باشد؛ زیرا تحقیقات نشان داده است میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸-۱۳۷۲)، در استان‌هایی که شمار شیعیان بیشتر از پیروان سایر مذاهب و ادیان (اهل تسنن، مسیحیت و...) بوده است، بیشتر است (رضی، ۱۳۸۰: ۱). ابوالحسنی نیز در تحقیق خود با عنوان «نگرش و گرایش سیاسی مردم (اصلاح‌طلبی یا محافظه‌کاری)» که پس از انتخابات سوم تیر ۱۳۸۴ انجام داده است، رفتار انتخاباتی شرکت‌کنندگان در انتخابات را با استناد به آمار، به میزان زیادی تحت‌تأثیر صدا و سیما، هیئت‌های مذهبی و پایگاه‌های بسیج دانسته است تا احزاب و گروه‌های سیاسی (۲۹).

براساس مدعا و استدلال‌های ارائه‌شده، پرسش اصلی تحقیق را می‌توان چنین مطرح کرد: آیا میزان دینداری دانشجویان بر رفتار انتخاباتی‌شان تأثیرگذار است؟ بنابراین، هدف از نگارش مقاله، نشان‌دادن تأثیر میزان دینداری بر رفتار انتخاباتی در دو سطح گرایش رأی‌دهی و میزان مشارکت در انتخابات است.

## ۲. پیشینه تحقیق

سکرت و همکارانش (1990) در پژوهشی با نام «اثر دینداری بر مشارکت سیاسی و عضویت در انجمن‌های اختیاری در بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان» و مکالوسو و وانات (1979) در تحقیق خود با نام «مشارکت انتخاباتی و دینداری» به این نتیجه رسیده‌اند که بین میزان دینداری (میزان کلیسا رفتن) و میزان مشارکت رأی‌دهی رابطه قوی و مثبتی وجود دارد؛ به گونه‌ای که افرادی که دینداری سطح بالا<sup>۱</sup> دارند نسبت به افرادی که دارای دینداری سطح پایین<sup>۲</sup> هستند، بیشتر در انتخابات مشارکت می‌کنند. کوتلر و برکویتز (2001) در پژوهش خود با نام «دین و رفتار انتخاباتی در بریتانیای کبیر» نشان داده‌اند افرادی که رفتار مذهبی شدیدتر و یا بیشتری از خود بروز می‌دهند به حزب لیبرال دموکرات رأی می‌دهند تا احزاب محافظه‌کار و در مقابل، افرادی که از اعتقادات مذهبی قوی‌تری برخوردارند از احزاب محافظه‌کار حمایت می‌کنند تا لیبرال دموکرات. کیم (2006) در رساله دکتری خود با عنوان *دین و گرایش‌های سیاسی در کره جنوبی* نشان داده است افرادی که دارای اعتقادات مذهبی بیشتری هستند گرایش سیاسی محافظه‌کارتری نسبت به افرادی با اعتقادات ضعیف‌تر دارند؛ اما بین رفتار دینی و گرایش سیاسی رابطه معناداری مشاهده نشده است. ویلیامز (1999) در رساله دکتری خود با عنوان *تجربه مذهبی و مشارکت سیاسی سیاه‌پوستان آمریکایی در یک ساختار شهری* به این نتیجه رسیده است که بین میزان حضور در کلیسا به عنوان یکی از مؤلفه‌های دینداری و میزان مشارکت در انتخابات رابطه مثبت وجود دارد. تحقیقات خارجی دیگری نیز وجود دارد که کم‌وبیش به روابط یادشده در بالا اشاره می‌کند؛ اما برای جلوگیری از اطناب کلام از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم (Jones-Correa & Leal, 2001; Egmond Et. al, 1998; Smith Et. al, 1999; Busch, 1998; McKenzie, 2004a).

تحقیقات موجود در ایران نیز نشان می‌دهد رفتار انتخاباتی کم‌وبیش تحت تأثیر جهت‌گیری‌های دینی افراد است. یافته‌های تحقیق علی ربیعی در کتاب *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶* که برگرفته از رساله دکترایش است، به خوبی نشان‌دهنده مهم بودن معیارهای دینی است؛ از جمله اینکه از نظر شهروندان

1. High in Religiosity  
2. Low in Religiosity

تهرانی در میان ۴۸ دلیل برای پیروزی آقای خاتمی، تقوا و صداقت و خصوصیات فرعی از جمله وابستگی به امام، رتبه دوم را کسب کرده است. علی درزی (۱۳۸۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *جامعه‌شناسی انتخابات: تحلیل الگوی رفتار انتخاباتی مردم استان مرکزی در هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری* به این نتیجه رسیده است که تعهدات دینی و پایبندی به احکام از جانب رأی‌دهندگان، از عوامل بسیار تأثیرگذار در گرایش رأی‌دهی آن‌هاست. رضی (۱۳۷۴) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۲* گفته است میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۸-۱۳۷۲)، در استان‌هایی که شمار شیعیان بیشتر از پیروان سایر مذاهب و ادیان (اهل تسنن، مسیحیت و...) بوده است، بیشتر است. ابوالحسنی (۱۳۸۴) در تحقیق خود با عنوان «نگرش و گرایش سیاسی مردم (اصلاح‌طلبی یا محافظه‌کاری)» که پس از انتخابات سوم تیر ۱۳۸۴ انجام داده، رفتار انتخاباتی شرکت‌کنندگان در انتخابات را به میزان زیادی تحت تأثیر صدا و سیما، هیئت‌های مذهبی و پایگاه‌های بسیج دانسته است تا احزاب و گروه‌های سیاسی.

ایرادی که بر بیشتر تحقیقات وارد است، فقدان چارچوب نظری مشخص برای تبیین رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی است. همچنین در بیشتر تحقیقات خارجی، دینداری در دو بعد رفتاری و اعتقادی بررسی شده است؛ درحالی‌که امروزه شاهد تبیین نظری این مفهوم در ابعاد بیشتری هستیم. تحقیقات داخلی نیز به‌طور مشخص به اثر دینداری بر رفتار انتخاباتی اشاره نکرده‌اند؛ بلکه اثر بعضی مؤلفه‌های دینی بودن همچون پایبندی به احکام و تعهدات دینی (درزی، ۱۳۸۲) و مشارکت در هیئت‌های مذهبی (ابوالحسنی، ۱۳۸۴) را بر رفتار انتخاباتی در کنار سایر عوامل سنجیده‌اند. در هیچ‌کدام از این تحقیقات، رفتار انتخاباتی در بیشتر از یک بعد بررسی نشده است. در این پژوهش‌ها رفتار انتخاباتی یا با میزان شرکت در انتخابات و یا با گرایش رأی‌دهی سنجیده شده است که این موضوع، از جامعیت سنجش رفتار انتخاباتی می‌کاهد. در این تحقیق کوشش می‌کنیم کاستی‌های تحقیقات پیشین را تا حد امکان جبران کنیم.

### ۳. چارچوب نظری

درباره تبیین نظری رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی، نظریاتی همچون قومی- مذهبی<sup>۱</sup> (McCormick, 1986; Swierenga, 1990; Lipset & Rokkan, 1967; Lipset, 1964;) و (Guth & Green, 1991; Miller & Shanks, 1996)، تعلقات اجتماعی (لازارسفلد و دیگران، ۱۳۸۲)، سرمایه اجتماعی (پاتنام، ۱۳۸۰، Verba Et. al, 1997; Wood, 1997; Greely, 1997;)، دلبستگی گروهی<sup>۲</sup> (Marshall, 1996; Dennis, 1987) و نظریه جنگ‌های فرهنگی<sup>۳</sup> و نتایج تحقیقات پیشین وجود دارد. اما در این مقاله رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی با توجه به نظریه جنگ‌های فرهنگی و نتایج تحقیقات پیشین تبیین شده است. دلیل انتخاب نظریه جنگ‌های فرهنگی در مقایسه با نظریه‌های دیگر، داشتن قدرت تبیینی بالاتر و نزدیکی بیشتر به واقعیت مورد مطالعه در ایران است.

نظریه جنگ‌های فرهنگی حاصل کار جامعه‌شناسانی همچون هانتز (1991; 2006) و وثنو (1988) است و به وسیله آن‌ها توسعه پیدا کرده است و افرادی همچون لیمن و کارماینز (1997) نیز آن را در تحقیقات خود به کار برده‌اند. منظور از اصطلاح جنگ‌های فرهنگی، اختلافات مذهبی یعنی تفاوت در چگونگی و میزان اعتقادات و رفتارهای دینی هواداران و حامیان احزاب و گرایش‌های مختلف سیاسی است که همگی پیرو یک آیین مذهبی نیز هستند. به اعتقاد هانتز، محور این جنگ‌های فرهنگی، اختلافات اخلاقی و مذهبی عمیق<sup>۴</sup> است. در یک سوی این اختلافات فرهنگی، افرادی با اعتقادات و دلبستگی‌های مذهبی سستی و با میزان زیادی از پای‌بندی‌های مذهبی قرار دارند که تمایل دارند به یک منبع اقتدار اخلاقی متعالی<sup>۵</sup> قابل تعریف و بیرونی متعهد باشند؛ در سوی دیگر آن نیز افرادی با اعتقادات مذهبی پیشرو و پای‌بندی‌های مذهبی ضعیف‌تری هستند؛ آن‌ها حقایق اخلاقی اردوگاه سنت‌گرایان را به کل رد می‌کنند و به جای آن یک نوع اقتدار اخلاقی انسانی را درون مرزهای معرفت و دایره تجربه بشری جایگزین می‌کنند (Layman, 2001: 3). هانتز و وثنو بیان می‌کنند که ستیزهای فرهنگی جاری، به سیاست‌های حزبی موجود شکل تازه‌ای داده است؛ به‌طوری‌که حزب

---

1. Ethnoreligious  
2. Group Affect  
3. Culture Wars  
4. Deep-Seated  
5. Transcendent

جمهوری خواه را به ائتلافی از سنت گرایان فرهنگی و مذهبی تمام سنت های دینی تبدیل کرده است و حزب دموکرات را به خانه لیبرال های اخلاقی و مذهبی (Ibid, 12) تا جایی که گرین (3: 2007) می گوید «جمهوری خواهان تجسمی از حزب معتقدان و دموکرات ها تجسمی از بی اعتقادان شده اند».

این مدل بر رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی درون یک سنت دینی و نه در بین سنت های دینی تأکید می کند؛ یعنی اینکه به جای یک سنت مذهبی تقویت کننده، راست کیشی (اعتقاد داشتن)<sup>۱</sup> و التزام مذهبی (رفتار کردن)<sup>۲</sup> به عنوان دو بعد از دینداری، خود به خلق ارزش های متمایز و مشخصی در بین پیروان یک سنت مذهبی منجر می شود. براساس این نظریه، اختلافات سیاسی کلیدی در بین پیروان مذاهب مختلف نیست؛ بلکه در میان کسانی است که دارای سطح بالایی از اعتقادات و التزامات دینی (دینداری بالا) و نیز کسانی که دارای سطح پایینی از اعتقادات و التزامات دینی در تمام سنت های دینی هستند (Layman, 2001: 66).

اعتقادات مذهبی به این علت رفتار انتخاباتی را تحت تأثیر قرار می دهد که منبع ارزش های سیاسی و اجتماعی است؛ ارزش هایی که به طور مستقیم حمایت های حزبی افراد را تحت تأثیر قرار می دهد (Kotler & Berkowitz, 2001: 553). عقاید الهی درباره اخلاقیات و کنش های اجتماعی پسندیده، اغلب ایدئولوژی های سیاسی افراد و هنجارهای گروهی را هدایت می کند (McKenzie, 2004b: 262). اعمال و فعالیت های مذهبی اختلافات سیاسی و فرهنگی را که با محور الهیات<sup>۳</sup> ایجاد شده است، درون سنت های دینی تقویت می کند. افرادی که به اعمال مذهبی سستی پای بندند- تمایل به انجام مراسم عبادی، خواندن کتاب مقدس تورات و انجیل و پای بندی به عبادات روزانه- معتقدترین و ملتزم ترین پیروان تمام سنت های دینی هستند و در موضوعات فرهنگی همچون همجنس بازی، پورنوگرافی و سقط جنین مواضع محافظه کارانه ای دارند و به احزابی رأی می دهند که در این گونه موضوعات مواضع محافظه کارانه ای اتخاذ می کنند. برای مثال، حزب جمهوری خواه در آمریکا در قبال مسائل فرهنگی یادشده، موضع محافظه کارانه دارد. این مواضع مشابه به این منجر می شود که این افراد به حمایت از حزب

---

1. Doctrinal Orthodoxy (Believing)  
2. Religious Commitment (Behaving)  
3. Theologically



جمهوری خواه و کاندیدایش گرایش داشته باشند؛ درحالی که افرادی که کمتر دیندار<sup>۱</sup>ند در قبال این گونه موضوعات فرهنگی، لیبرال هستند و از احزابی حمایت می کنند که در برابر این گونه مسائل موضع لیبرالی دارند. شاهد مثال آن حزب دموکرات در آمریکا است و این افراد در رقابت های انتخاباتی وفاداران متعصب این حزب هستند.

نظریه جنگ های فرهنگی بیان گر این مطلب است که دینداری رأی دهندگان (رفتارها و اعتقادات مذهبی) بر گرایش سیاسی و رفتار انتخاباتی شان اثری مستقل دارد (Layman, 2001: 54, 66- 67). برای مثال، در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۴م آمریکا کسانی که اعتقادات مذهبی قوی تری داشتند و بیشتر به اعمال مذهبی پای بند بودند به بوش رأی دادند؛ درحالی که کسانی که اعتقادات و رفتارهای دینی ضعیف تری داشتند، به کری رأی دادند (Green, 2007: 3).

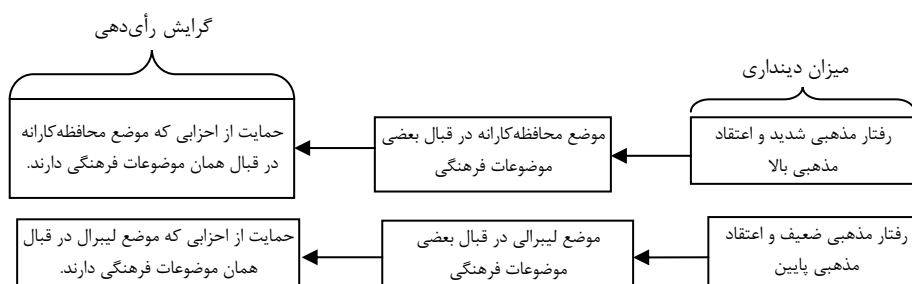
به طور خلاصه می توان گفت این نظریه به رابطه میزان دینداری با گرایش سیاسی افراد می پردازد؛ گرایشی که افراد آن را در رفتار انتخاباتی خود با رأی دادن و حمایت از کاندیدای مورد نظر نشان می دهند. آموزه های دینی درباره اخلاقیات و کنش های اجتماعی پسندیده اغلب، رفتارهای سیاسی افراد و هنجارهای گروهی را هدایت می کند و یا به عبارت دیگر، افراد را نسبت به پاره ای ترجیحات سیاسی و حزبی مشخص که پایه مذهبی دارند، جامعه پذیر می کند. بنابراین، اصرار بر اعتقادات و ارزش های اخلاقی - مذهبی و زنده نگه داشتن آن ها به وسیله رفتارهای مذهبی از جمله انجام مراسم عبادی، خواندن کتاب مقدس و... تقویت هرچه بیشتر ترجیحات سیاسی و حزبی برآمده از آموزه های دینی است.

علاوه بر این نظریات، شواهد تجربی نیز رابطه میزان دینداری با گرایش رأی دهی را تصدیق می کند. آمریکا و انگلیس نمونه بارز این گونه رفتار انتخاباتی هستند. در آمریکا کسانی که دینداری بیشتری دارند- بنا به دلایل گفته شده- به حزب محافظه کار جمهوری خواه رأی می دهند و کسانی که میزان دینداری کمتری دارند به حزب لیبرال دموکرات (Layman, 2001: 67). در انگلیس نیز همچون آمریکا، کسانی که در برابر موضوعات فرهنگی- که پیش از این یاد شد- چشم اندازهای اخلاقی سستی دارند، از احزاب محافظه کار حمایت می کنند؛ درحالی که کسانی که در این گونه مسائل اخلاقی- سنتی انعطاف بیشتری دارند از حزب کارگر

---

1. Devout

حمایت می‌کنند (Kotler & Berkowitz, 2001: 553). جامع‌تر از این شواهد، تحقیقات اینگلهارت و نوریس (۱۳۸۷) است که قبلاً به آن اشاره کردیم. یادآوری نتایج این تحقیق به دلیل گستردگی و جدید بودن آن و هم به این دلیل که قدرت تعمیم‌دهی بالایی دارد، می‌تواند روشن‌کننده این رابطه باشد. یافته‌های آن‌ها براساس مقایسه نتایج ۳۷ انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در ۳۲ کشور کشاورزی، صنعتی و فراصنعتی در دهه ۱۹۹۰م نشان می‌دهد افرادی که میزان دینداری بیشتر و کمتری دارند به ترتیب به احزاب راست و چپ رأی می‌دهند. شکل زیر فشرده‌ای را از آنچه گفته شد نشان می‌دهد:



شکل ۱ روابط بین متغیرها در نظریه جنگ‌های فرهنگی

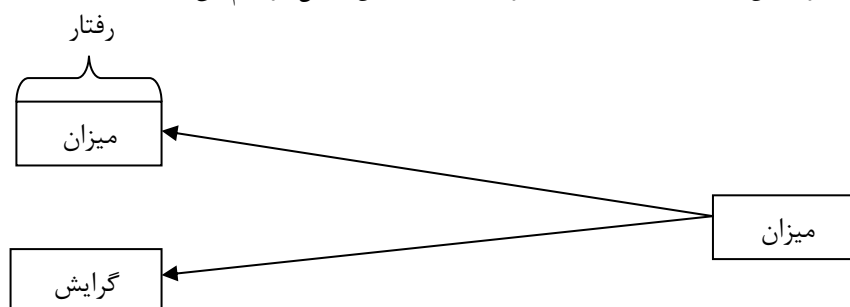
این نظریه شرایط لازم را برای تبیین بخشی از مسئله تحقیق یعنی رابطه میزان دینداری با رفتار انتخاباتی در سطح گرایش رأی‌دهی دارد؛ چراکه نمونه این پژوهش درون یک سنت مذهبی (اسلام و اکثریت شیعه) قرار دارد و این نشان‌دهنده نزدیکی نظریه به واقعیت است و از طرفی براساس مفاهیم موجود در نظریه، قدرت تبیینی بالایی را در تبیین بخش‌های مورد نظر مسئله دارد.

با کاهش اختلافات فرهنگی یادشده (همجنس‌بازی، پورنوگرافی و... که برگرفته از فرهنگ کشورهای غربی است) بین احزاب به اختلافاتی در سطح حجاب و پوشش زنان در جامعه، رابطه دختر و پسر، فیلترینگ سایت‌ها و... زمینه برای طرح این فرضیه آماده می‌شود: کسانی که دارای میزان دینداری بیشتری هستند نسبت به مسائل و موضوعات فرهنگی - اخلاقی همچون حجاب، روابط دختر و پسر، فیلترینگ سایت‌ها و... نگرش‌های اخلاقی بسته‌تری دارند و بنابراین به جناح اصول‌گرا با همان چشم‌اندازهای اخلاقی یادشده به مسائل فرهنگی - اخلاقی

بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با ... محمد رضا طالبان و همکار

رأی می‌دهند. در مقابل، کسانی که میزان دینداری کمتری دارند به این‌گونه مسائل نگاه آزادتری دارند و به جناح اصلاح‌طلب، که در این‌گونه مسائل آزادتر عمل می‌کنند، رأی می‌دهند.

فرضیه وجود رابطه بین دینداری و رفتار انتخاباتی (میزان مشارکت در انتخابات) بر مبنای تحقیقات پیشین است. هرچند نتایج تحقیقات بسیاری که بیشتر آن‌ها را در پیشینه تحقیق مرور کرده‌ایم، رابطه نوع دینداری و میزان مشارکت را نشان می‌دهد [۳]، باید توجه داشت که مدعای تبیینی تمام آن‌ها اثر مثبت میزان دینداری بر میزان مشارکت در انتخابات است. استدلال ما هم براساس این مدعا به این شرح است که نباید از «نوع رژیم سیاسی» در جامعه آماری مورد تحقیق غفلت کرد. در کشورهایی که رژیم سیاسی‌شان «دینی» است و افراد مذهبی زمام امور را در دست دارند، مذهبی و دیندار بودن شرکت‌کنندگان، جدایی از غیردینی یا سکولار و دینی بودن کاندیدها و احزاب - که خود این عامل هم می‌تواند میزان مشارکت را در بین پیروان سکولارها و مذهبی‌ها افزایش دهد - از عوامل اصلی ورود به انتخابات برای مؤمنان دیندار است؛ چون مشارکت در انتخابات نه حمایت از حزب، بلکه حمایت از استمرار و تداوم رژیم سیاسی حاکم است که مدیریت و امور آن به دست افراد مذهبی یا دینداران است. نباید فراموش کرد که در ایران نیز چون رژیم سیاسی «دینی» است؛ می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که هرچه میزان دینداری بیشتر باشد، میزان مشارکت انتخاباتی هم بیشتر است. عکس این مطالب در رژیم‌های سیاسی غیردینی هم می‌تواند صدق کند. بنابراین، می‌توان گفت تلاش‌هایی با این مدعا و استدلال گفته‌شده، فرضیه یادشده را تقویت می‌کند. براساس آنچه گفته شد، مدل نظری تحقیق به این شکل ترسیم می‌شود:



شکل ۲ مدل نظری تحقیق

#### ۴. روش تحقیق

رفتار انتخاباتی در این تحقیق اعمال ترجیحات سیاسی رأی‌دهندگان است و اولین گام آن مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات است. این تعریف، تعریفی ترکیبی است و نسبت به مفاهیم سیاسی دیگر، دارای جامعیت و دقت لازم در تمیز مفهومی رفتار انتخاباتی است؛ زیرا هم به عنصر انتخاب (گرایش) و هم به میزان شرکت در انتخابات توجه دارد. وجه اشتراک تعریف ما از رفتار انتخاباتی و مشارکت سیاسی در رأی‌دادن است. رفتار انتخاباتی حداقل به صورت رأی‌دادن (مشارکت در انتخابات)، یکی از سطوح مشارکت سیاسی است که راش نیز آن را از پایین‌ترین سطوح مشارکت سیاسی می‌داند: «سطحی که نیازمند کمترین تعهد است؛ زیرا به محض اینکه رأی به صندوق انداخته شد ممکن است به پایان برسد.» (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۹).

در این تحقیق، رفتار انتخاباتی را در دو سطح و یا با دو شاخص «میزان مشارکت» و «گرایش رأی‌دهی» سنجیده‌ایم. هرکدام از این شاخص‌ها به‌عنوان یک متغیر وابسته در چارچوب نظری و فرضیه‌ها مطرح شده است؛ هرچند که اذعان داریم تمام وجوه رفتار انتخاباتی را نمی‌سنجند. در ادامه هریک را جداگانه تعریف می‌کنیم.

منظور از «میزان مشارکت در انتخابات» شرکت کردن فرد در انتخابات با رأی‌دادن است. با توجه به اینکه از اهداف اصلی تحقیق، فقط بررسی رابطه میزان دینداری با میزان مشارکت در انتخابات است، نوع انتخابات و یا دوره انتخاباتی خاص اهمیتی ندارد؛ بلکه نویسندگان به دنبال شناخت رفتار انتخاباتی کلی فرد در دوره‌های انتخاباتی مختلف هستند و مهم نیست که این رفتار در کدام دوره و چه نوع انتخاباتی بوده است. اما برای اینکه میزان مشارکت افراد از واریانس بیشتری برخوردار باشد، هر انتخابات (ریاست جمهوری، مجلس، شورای شهر و خبرگان) را جداگانه مورد آزمون قرار داده‌ایم. بنابراین در تعریف عملیاتی میزان مشارکت در انتخابات از چهار گویه در قالب طیف لیکرت استفاده کرده‌ایم. برای نمونه، شکل گویه‌ها به این نحو بود: آیا در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می‌کنید؟ جواب‌های همیشه و اکثراً مشارکت بالا، برخی مشارکت متوسط و به‌ندرت و اصلاً مشارکت پایین ارزیابی شده است.

منظور از مفهوم «گرایش رأی‌دهی» این است که فرد در انتخابات به کاندیداهای کدام حزب یا جناح سیاسی رأی می‌دهد. منظور از احزاب نیز دو جناح سیاسی اصول‌گرا و

اصلاح طلب است. در تعریف عملیاتی این مفهوم از گویۀ «شما در انتخابات به کدام جناح رأی می‌دهید؟» [۴] استفاده کرده‌ایم که دارای سه جواب اصول‌گرا، اصلاح طلب و هیچ کدام بود. در تعریف دینداری (متغیر مستقل) می‌توان گفت دینداری میزان تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد است و دارای ابعاد پنج‌گانه معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن و متشّرع بودن است (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۳). از بین مدل‌های دینداری، برای تعریف دینداری از مدل شجاعی‌زند به علت بومی بودن، استفاده قبلی در یک پژوهش دانشگاهی [۵] و معتبر شناخته شدن [۶] آن در کنار مدل گلاک و استارک (1965; 1970)، به عنوان پرکاربردترین مدل غربی در تحقیقات دانشگاهی، استفاده کرده‌ایم. بنابر تعریف شجاعی‌زند، دینداری دارای پنج بعد اعتقادی، ایمانی، عبادی، اخلاقی و شرعی است. در این پژوهش بعد ایمان به دلیل اینکه با روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه قابل سنجش نیست و نیازمند مشاهده مستمر اعمال و رفتارهای فرد و ارتباط نزدیک با وی است، و نیز به سبب محدودیت روش شناختی - به رغم اهمیت زیاد آن در تعیین میزان دینداری افراد - کنار گذاشته شده است

بعد اعتقادی باورهایی را دربرمی‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین به آن‌ها اعتقاد داشته باشند (سراج‌زاده، ۱۳۸۰: ۱۶۴). در این تحقیق سه باور اعتقاد به کفایت دین، شفاعت ائمه، و حیات بعد از مرگ و حساب‌رسی در دنیای دیگر مورد سؤال واقع شده است. منظور از بعد عبادی، تمام رفتارها و آدابی است که فرد در مقام پرستش در برابر پروردگار و معبود خویش انجام می‌دهد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۹) و در این تحقیق شامل نماز، تلاوت قرآن، روزه مستحبی، نماز جماعت، نماز جمعه، اعتکاف و دعا در شب‌های احیاست.

بعد اخلاق هم نواصی و نواهی دینی مربوط به حوزه نیکویی‌شناسی است و به داشتن تعامل پسندیده با دیگران مربوط می‌شود (همان، ۵۹). اخلاقیات مورد نظر در این پژوهش عبارت‌اند از: دروغ نگفتن، غیبت نکردن و بخشش و گذشت. شرعیات هم مجموعه تکالیفی است که خداوند آن‌ها را حرام، مکروه، واجب، مستحب و حلال کرده است و فرد مسلمان ملزم به رعایت آن‌هاست و در این پژوهش شامل ظاهر دینی، وضعیت ارتباط با

نامحرم، تقلید، ازدواج، تعاملات، شرکت در مجالس عزاداری و سرور و امر به معروف نهی از منکر است.

در این مطالعه از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کرده‌ایم. به این ترتیب که از پاسخ‌گویان خواستیم نظر خود را در مورد هریک از گویه‌ها بر روی یک طیف پنج‌درجه‌ای از نوع لیکرت («کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» و یا «همیشه و یا حداقل روزی یک بار، تقریباً هر روز، هر هفته و یا به ندرت» تا «هرگز و یا اصلاً و من اصلاً نماز نمی‌خوانم») بازگو کنند. داده‌های سه گویه که مربوط به حجاب و ظاهر دینی بودند از راه مشاهده جمع‌آوری شده‌اند و دارای طیف سه‌درجه‌ای (مقبول، تاحدی و کم) هستند. به این ترتیب که منظور از مقبول، داشتن حجاب کامل (داخل بودن موی سر و دیده نشدن آن)، نداشتن آرایش و پوشیدن لباس تنگ است؛ منظور از کم، داشتن حجاب ناقص (بیرون بودن موی سر)، آرایش غلیظ و پوشیدن لباس‌های تنگ است؛ تا حدی نیز نقطه وسط این دو گزینه است. با توجه به اینکه در این تحقیق از دو مشاهده‌گر استفاده شده است- به دلیل اندک بودن مشاهده‌گران- بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در مشاهدات تورش و خطا بسیار اندک می‌شود. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک نرم‌افزار SPSS و MATLAB انجام گرفته است. در سطح توصیفی از میانگین جداول یک‌بعدی و دوبعدی توزیع فراوانی نسبی و مطلق استفاده شده است. با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون T مستقل و رگرسیون خطی و لجستیک<sup>۱</sup> برای آزمون فرضیه‌ها و سنجش روابط بین متغیرها به کار رفته است.

برای بررسی اعتبار گویه‌ها به سه شیوه عمل شده است: ۱. مراجعه به تحقیقات پیشین (سراج‌زاده و پویافر، ۱۳۸۶)؛ ۲. اعتبار صوری بدین ترتیب که با مراجعه به استادان راهنما و مشاور و حذف و تغییر برخی گویه‌ها، پیرو نظر ایشان، سعی کردیم اعتبار گویه‌ها را افزایش دهیم؛ ۳. اعتبار سازه (تجربی). در اعتبار سازه نتایج تحقیق با داده‌های متقن، شبهه‌ناپذیر و اثبات‌شده مقایسه می‌شود (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۲۸۷). نتایج آزمون T در جدول

بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با ... محمد رضا طالبان و همکار

شماره یک نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین دینداری دختران و پسران دانشجویان وجود دارد. میانگین دینداری دختران از پسران بالاتر است؛ این نتیجه همسو با پژوهش‌های معتبر در این زمینه است (Lizardo & Collet, 2006; Jeremy, 2004; Miller & Stark, 2006; Swatos, 1994; Beithallahmi & Argyle, 1997; Sullins, 2006).

جدول ۱ مقایسه میانگین میزان دینداری زنان و مردان با آزمون T

سطح معناداری (Sig)	شاخص t	درجه آزادی (df)	تفاوت میانگین دینداری	میانگین دینداری	
				زنان (n=۱۶۲)	مردان (n=۲۱۴)
۰/۰۰۳	۵/۹۵	۳۶۷/۷۵	۱۰/۱۹	۸۵/۰۷	۷۴/۸۸

برای افزایش پایایی گویه‌ها، قبل از توزیع گسترده پرسش‌نامه، برای پیش‌آزمون بیست پرسش‌نامه را به‌طور تصادفی بین دانشجویان توزیع و پس از شنیدن نظریات برخی دانشجویان درباره جمله‌بندی و صراحت پرسش‌نامه و... آن را اصلاح کرده‌ایم. همچنین از روش پایداری درونی (آلفای کرونباخ) استفاده کرده‌ایم. آلفای کرونباخ برای سنجۀ میزان دینداری و میزان مشارکت به‌ترتیب برابر با ۰/۹۰ و ۰/۹۱ است و نشان‌دهندۀ پایایی بالای این سنجۀ‌هاست. واحد تحلیل و مشاهده در این تحقیق فرد، و جامعه آماری هم تمام دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ است. مقطع تحصیلی این دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری به تعداد ۴۹۰۴ نفر در سال تحصیلی یادشده است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول آماری کوکران (رفعی‌پور، ۱۳۷۸: ۳۸۳) استفاده کرده‌ایم که با ملحوظ داشتن  $p = ۰/۵$  و  $t = ۱/۹۶$  حجم نمونه به ۳۵۶ نفر رسید و پیرو توصیه‌های متخصصان امر به ۳۷۶ نفر افزایش یافت. برای انتخاب افراد نمونه از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی داوطلبانه استفاده کرده‌ایم. البته تعمیم نتایج به جمعیت مورد مطالعه از اهداف تحقیق بوده است؛ اما با توجه به اینکه هدف اصلی‌تر تحقیق، سنجش رابطه دینداری و رفتار انتخاباتی بوده، سعی کرده‌ایم به تعداد مساوی از دو گرایش در نمونه تحقیق حاضر شوند؛ چرا که اگر از نمونه‌گیری تصادفی استفاده می‌کردیم، تعداد بسیار کمی از دانشجویان رأی‌دهنده به اصول‌گرایان در نمونه قرار می‌گرفت و این هدف اصلی مقاله را محقق نمی‌کرد. البته شرایط و محدودیت‌هایی نیز نگارندگان را به سمت نمونه‌گیری غیرتصادفی سوق داد؛ ازجمله دسترسی نداشتن به تمام دانشجویان

جهت قرعه‌کشی یا نمونه‌گیری سیستماتیک و کمبود دانشجویان رأی‌دهنده به جناح اصول‌گرا. بنا به دلایل گفته‌شده و با توجه به اینکه نمونه‌گیری تحقیق غیرتصادفی بوده و هدف اصلی تحقیق نیز بررسی رابطه متغیرهاست و نه مطالعه جمعیت، نمی‌توان نتایج را به جمعیت تحقیق تعمیم داد.

## ۵. یافته‌های توصیفی پژوهش

نتایج پژوهش نشان می‌دهد بیشترین فراوانی جنسیت در آزمودنی‌ها مربوط به مردان با ۲۱۴ (۵۶/۹ درصد) نفر است. وجود متغیر زمینه‌ای جنسیت در این پژوهش به این دلیل است که از نتایج میزان دینداری در دو جنس زن و مرد برای اعتبار سازه‌ای گویه‌های دینداری استفاده کنیم و بررسی رابطه دینداری با این متغیر براساس فرضیه‌های مقاله نیست. میزان مشارکت دانشجویان را در انتخابات (جدول ۲) می‌توان در حد بالایی ارزیابی کرد (میانگین ۱۵/۸ از ۲۰)؛ به‌طوری‌که اکثریت دانشجویان (۶۵/۷ درصد) همیشه یا اغلب در انتخابات مختلف (ریاست جمهوری، مجلس، شوراها و خبرگان) شرکت می‌کنند. بالاترین و پایین‌ترین میزان شرکت در انتخابات به‌ترتیب مربوط به ریاست جمهوری (میانگین ۴/۴ از ۵) و خبرگان (میانگین ۳/۵ از ۵) است.

جدول ۲ وضعیت میزان مشارکت افراد در انواع انتخابات

گویه‌ها	بالا		متوسط		پایین		میانگین	کل	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		درصد	فراوانی
۱. آیا در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کرده‌اید؟	۸۵/۴	۳۲۱	۲۸	۷/۴	۲۷	۷/۲	۵ از ۴/۴	۳۷۶	۱۰۰/۰
۲. آیا در انتخابات مجلس شرکت کرده‌اید؟	۷۵/۰	۲۸۲	۵۱	۱۳/۶	۴۳	۱۱/۴	۵ از ۴/۲	۳۷۶	۱۰۰/۰
۳. آیا در انتخابات شوراها شرکت کرده‌اید؟	۶۵/۲	۲۴۵	۴۴	۱۱/۷	۸۷	۲۳/۱	۵ از ۳/۸	۳۷۶	۱۰۰/۰
۴. آیا در انتخابات خبرگان شرکت کرده‌اید؟	۵۸/۰	۲۱۸	۳۱	۸/۲	۱۲۷	۳۳/۸	۵ از ۳/۵	۳۷۶	۱۰۰/۰
میزان مشارکت کل	۶۵/۷	۲۴۷	۸۰	۲۱/۳	۴۹	۱۳/۰	۲۰ از ۱۵/۸	۳۷۶	۱۰۰/۰



باور دینی دانشجویان را می‌توان در حد بالایی ارزیابی کرد (میانگین ۲/۷ از ۳): اکثریت دانشجویان (۷۷/۷ درصد) دارای باور دینی قوی، ۱۷/۳ درصد دارای باور دینی متوسط و فقط ۵/۷ درصد دارای باور دینی ضعیف هستند. بالاترین و پایین‌ترین نمره به ترتیب مربوط به اعتقاد به دنیای دیگر / حساب‌رسی بعد از مرگ و شفاعت با نمره ۴/۶ و ۴/۱ از ۵ است. پای‌بندی دانشجویان به اعمال عبادی (عبادیات) در مقایسه با دیگر ابعاد کمتر است (میانگین ۲ از ۳). بیشترین و کمترین پای‌بندی دانشجویان به اعمال عبادی به ترتیب مربوط به نمازهای یومیه و نماز جمعه با نمره ۳/۹ و ۱/۹ از ۵ است. نمره پای‌بندی به اخلاقیات و شرعیات دانشجویان برابر و هر دو ۲/۳ از ۳ است و پای‌بندی بیشتر دانشجویان را به این دو بعد نسبت به بعد عبادیات نشان می‌دهد. کمترین میزان پای‌بندی در بعد اخلاقیات مربوط به دروغ و غیبت و بیشترین آن مربوط به بخشش و گذشت به ترتیب با نمرات ۳/۶ و ۳/۷ از ۵ است. در بعد شرعیات بالاترین نمره مربوط به ظاهر دینی زنان (حجاب و آرایش ۴/۳ از ۵) و کمترین نمره مربوط به ظاهر دینی مردان (ریش داشتن ۲/۵ از ۵) است. ناگفته نماند علت بالا بودن نمره ظاهر دینی زنان تا حد زیادی برگرفته از شرایط و محدودیت‌های موجود در دانشگاه تربیت مدرس است. در این دانشگاه از ورود بانوان بدحجاب جلوگیری می‌شود. در مجموع، در مورد دینداری کلی افراد می‌توان گفت ۴۵/۷ درصد از دانشجویان دارای دینداری قوی هستند که این رقم نسبت به سطح متوسط و ضعیف بیشتر است و می‌توان نتیجه گرفت که مدل دینداری شجاعی‌زند دینداری افراد را بالا نشان داده است.

جدول‌هایی که در ادامه می‌آید سطح دینداری افراد را در ابعاد مختلف و همچنین میزان پای‌بندی‌شان را به معرف‌های مختلف دینداری در هر بعد نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول شماره سه مشاهده می‌کنید دانشجویان به بعد اعتقادیات بیشتر پای‌بندند.

جدول ۳ توزیع فراوانی و میانگین شاخص دینداری و ابعاد آن

میانگین از ۳	کل		پایین		متوسط		بالا		ابعاد دینداری
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲/۷	۱۰۰/۰	۳۷۶	۵/۱	۱۹	۱۷/۳	۶۵	۷۷/۷	۲۹۲	اعتقادات
۲	۱۰۰/۰	۳۷۶	۲۲/۹	۸۶	۵۶/۴	۲۱۲	۲۰/۷	۷۸	عبادیات
۲/۳	۱۰۰/۰	۳۷۶	۴/۳	۱۶	۵۶/۱	۲۱۱	۳۹/۶	۱۴۹	اخلاقیات
۲/۳	۱۰۰/۰	۳۷۶	۱۶/۸	۶۳	۳۴/۶	۱۳۰	۴۸/۷	۱۸۳	شرعیات
۲/۳	۱۰۰/۰	۳۷۶	۱۰/۶	۴۰	۴۳/۶	۱۶۴	۴۵/۷	۱۷۲	دینداری کلی

جدول ۴ وضعیت پاسخ به گویه‌های اعتقادات

کل		میانگین از ۵	پایین		متوسط		بالا		گویه‌ها
درصد	فراوانی		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۰۰/۰	۳۷۶	۴/۴	۶/۱	۲۳	۹/۳	۳۵	۸۴/۶	۳۱۸	۱. پیام قرآن جاودانه است و برای انسان در تمام اعصار کفایت می‌کند.
۱۰۰/۰	۳۷۶	۴/۱	۱۱/۷	۴۴	۱۶/۲	۶۱	۷۲/۱	۲۷۱	۲. به شفاعت ائمه در حق شیعیان اعتقاد دارم.
۱۰۰/۰	۳۷۶	۴/۶	۳/۷	۱۴	۴/۸	۱۸	۹۱/۵	۳۴۴	۳. به دنیای دیگر و رسیدگی به اعمال و بهشت و جهنم اعتقاد دارم.

بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با ... \_\_\_\_\_ محمدرضا طالبان و همکار

**جدول ۵ وضعیت پاسخ به گویه‌های عبادیات**

گویه‌ها	بالا		متوسط		پایین		میانگین از ۵	کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		فراوانی	درصد
۱. آیا نماز می‌خوانید؟	۲۷۸	۷۳/۹	۴۹	۱۳/۰	۴۹	۱۳/۰	۳/۹	۳۷۶	۱۰۰/۰
۲. چقدر امکان دارد که نماز صبح شما قضا شود؟	۲۱۳	۵۶/۶	۹۴	۲۵/۰	۶۹	۱۸/۴	۳/۶	۳۷۶	۱۰۰/۰
۳. هرچند وقت یک بار در نماز جماعت شرکت می‌کنید؟	۱۰۰	۲۶/۶	۱۴۰	۳۷/۲	۱۳۶	۳۶/۲	۲/۸	۳۷۶	۱۰۰/۰
۴. هرچند وقت یک بار در نماز جمعه شرکت می‌کنید؟	۲۱	۵/۶	۶۴	۱۷/۰	۲۹۱	۷۷/۴	۱/۹	۳۷۶	۱۰۰/۰
۵. چقدر قرآن می‌خوانید؟	۱۴۶	۳۸/۸	۱۴۷	۳۹/۱	۸۳	۲۲/۱	۳/۳	۳۷۶	۱۰۰/۰
۶. آیا اهل روزه مستحبی هستید؟	۳۴	۹/۰	۱۴۲	۳۷/۸	۲۰۰	۵۳/۲	۲/۳	۳۷۶	۱۰۰/۰
۷. تا چه حد اهل شرکت در مراسم اعتکاف هستید؟	۴۳	۱۱/۴	۷۳	۱۹/۴	۲۶۰	۶۹/۲	۲	۳۷۶	۱۰۰/۰
۸. تا چه حد اهل شرکت در مراسم شب‌های احیا در ماه رمضان هستید؟	۲۴۷	۶۵/۷	۵۳	۱۴/۱	۷۶	۲۰/۲	۳/۷	۳۷۶	۱۰۰/۰

**جدول ۶ وضعیت پاسخ به گویه‌های اخلاقیات**

گویه‌ها	بالا		متوسط		پایین		میانگین از ۵	کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		فراوانی	درصد
۱. در هیچ شرایطی حاضر به دروغ گفتن نیستم.	۲۱۹	۵۸/۲	۱۱۲	۲۹/۸	۴۵	۱۲/۰	۳/۶	۳۷۶	۱۰۰/۰
۲. از شنیدن غیبت دیگران پرهیز دارم.	۲۱۱	۵۶/۱	۱۲۹	۳۴/۳	۳۶	۹/۶	۳/۶	۳۷۶	۱۰۰/۰
۳. تا چه حد از خطای دیگران در حق خود درمی‌گذرید؟	۲۴۲	۶۴/۴	۱۱۲	۲۹/۸	۲۲	۵/۹	۳/۷	۳۷۶	۱۰۰/۰

جدول ۷ وضعیت پاسخ به گویه‌های شرعیات

گویه‌ها	بالا		متوسط		پایین		میانگین از ۵	کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد		فراوانی	درصد
۱. در صورت اقتضای شرایط، اهل امر به معروف و نهی از منکر هستم.	۲۱۰	۵۵/۹	۱۱۶	۳۰/۹	۵۰	۱۳/۳	۳/۷	۳۷۶	۱۰۰/۰
۲. با آن دسته از دوستان یا فامیل که پایبندی دینی چندانی ندارند، کمتر رفت و آمد می‌کنم.	۱۰۹	۲۹/۰	۱۱۴	۳۰/۳	۱۵۳	۴۰/۷	۲/۸	۳۷۶	۱۰۰/۰
۳. در انتخاب همسر به ملاک‌های دینی اهمیت زیادی می‌دهم.	۲۷۳	۷۲/۶	۶۵	۱۷/۳	۳۸	۱۰/۱	۴/۱	۳۷۶	۱۰۰/۰
۴. تا چه حد در جلسات عزاداری و سرور و یا هیئت‌های مذهبی شرکت می‌کنید؟	۱۳۲	۳۵/۱	۱۴۵	۳۸/۶	۹۹	۲۶/۳	۳	۳۷۶	۱۰۰/۰
۵. آیا در تشخیص و انجام تکالیف دینی اهل تقلید هستید؟	۱۹۸	۵۲/۷	۸۱	۲۱/۵	۹۷	۲۵/۸	۳/۴	۳۷۶	۱۰۰/۰
۶. دست دادن با نامحرم از نظر من ایرادی ندارد.	۲۱۸	۵۸/۰	۶۲	۱۶/۵	۹۶	۲۵/۵	۳/۶	۳۷۶	۱۰۰/۰
۷. لباس مناسب	۱۰۶	۲۸/۲	۲۱۸	۵۸/۰	۵۲	۱۳/۸	۴/۱	۳۷۶	۱۰۰/۰
۸. استفاده از دستبند، انگشتر و زنجیر طلا برای مردان اشکالی ندارد (ویژه مردان)	۱۰۷	۵۰/۵	۳۹	۱۸/۴	۶۶	۳۱/۱	۳/۳	۳۷۶	۱۰۰/۰
۹. من ریش خود را هیچ‌گاه با تیغ نمی‌زنم (ویژه مردان)	۶۷	۳۱/۶	۱۷	۸/۰	۱۲۸	۶۰/۴	۲/۵	۳۷۶	۱۰۰/۰
۱۰. پایبندی به حجاب (ویژه زنان)	۳۲	۱۹/۶	۱۱۵	۷۰/۶	۱۶	۹/۸	۴/۳	۳۷۶	۱۰۰/۰
۱۱. آرایش بیرون از خانه (ویژه زنان)	۳۲	۱۹/۶	۱۱۲	۶۸/۷	۱۹	۱۱/۷	۴/۳	۳۷۶	۱۰۰/۰

## ۶. آزمون فرضیه‌ها

• فرضیه اول: بین میزان دینداری دانشجویان و گرایش رأی‌دهی آن‌ها رابطه وجود دارد؛ به گونه‌ای که هرچه میزان دینداری دانشجویان بیشتر باشد، دانشجویان بیشتر تمایل دارند به جناح اصول‌گرا رأی بدهند تا جناح اصلاح‌طلب.

براساس نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک (جدول ۸) ۸۶/۹ درصد از تمام کسانی که به اصلاح‌طلبان رأی داده‌اند، با ورود متغیر میزان دینداری در شرایط رأی به اصلاح‌طلبان قرار می‌گیرند. ۹۰ درصد از تمام کسانی که به اصول‌گرایان رأی داده‌اند با ورود متغیر میزان دینداری در شرایط رأی به اصول‌گرایان قرار می‌گیرند. در مجموع، می‌توان گفت با ورود متغیر مستقل (میزان

بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با ... \_\_\_\_\_ محمدرضا طالبان و همکار

دینداری) و نقش آن در تبیین متغیر وابسته (گرایش رأی‌دهی)، این متغیر توانسته است ۸۸/۴ درصد از آزمودنی‌ها را به‌درستی به رده‌های موجود در گرایش رأی‌دهی طبقه‌بندی کند.

جدول ۸ طبقه‌بندی مشاهدات

مشاهدات		پیش‌بینی‌ها		
		گرایش رأی‌دهی		درصد صحیح
		اصلاح طلب	اصول‌گرا	
گرایش رأی‌دهی	اصلاح طلب	۱۳۹	۲۱	۸۶/۹
	اصول‌گرا	۱۶	۱۴۴	۹۰/۰
درصد کل				۸۸/۴

جدول ۹ تاریخچه تکرار a

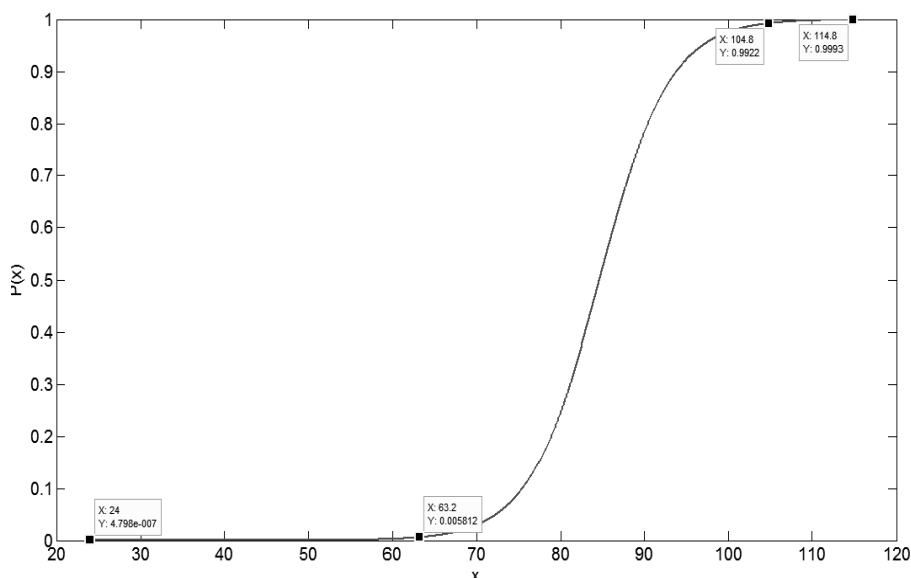
Iteration		-2 Log likelihood	Coefficients	
			Constant	B
Step ۱	۱	۲۲۸/۰۴۹	-۶/۹۸۸	۰/۰۸۷
	۲	۱۸۱/۰۶۱	-۱۲/۱۹۸	۰/۱۴۸
	۳	۱۶۶/۵۸۱	-۱۶/۸۹۴	۰/۲۰۳
	۴	۱۶۴/۳۱۸	-۱۹/۶۴۴	۰/۲۳۵
	۵	۱۶۴/۲۳۸	-۲۰/۲۹۰	۰/۲۴۳
	۶	۱۶۴/۲۳۷	-۲۰/۳۱۸	۰/۲۴۳
	۷	۱۶۴/۲۳۷	-۲۰/۳۱۸	۰/۲۴۳

a. Initial -2 Log Likelihood: ۴۴۳/۶۱۴

جدول ۱۰ نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لجستیک فرضیه اول

(df)	(Sig)	(Constant)		(B)	(Nagelkerke R <sup>2</sup> )	(-2 Log likelihood)	(Model chi-square)	Exp(B)
۱	۰/۰۰۰	-۲۰/۳۱۸		۰/۲۴۳	۰/۷۷۶	۱۶۴/۲۳۷	۲۷۹/۳۷۷	۱/۲۷۵
		(Wald Test)	۷۰/۹۹۱	۷۳/۳۹۶				

تفسیر  $R^2$  موجود در جدول شماره ده همانند تفسیر  $R^2$  در رگرسیون معمولی است. (کینیر و گری، ۱۳۸۳: ۴۰۱). بخشی از واریانس متغیر وابسته (احتمال رأی به اصول‌گرایان) که به وسیله متغیر میزان دینداری تبیین می‌شود، معادل ۰/۷۸ است. با توجه به کاهش مقدار لگاریتم درست‌نمایی 2Loglikelihood- [۷] تابع از ۴۴۳/۶۱۴ به ۱۶۴/۲۳۷ در جدول شماره نه، میزان برازش مدل افزایش یافته است و معنادار است. (Sig=۰/۰۰۰) نشان می‌دهد میزان دینداری قادر به پیش‌بینی رفتار انتخاباتی (گرایش رأی‌دهی) است. همچنین سطح معناداری آماره آزمون والد Waled Test (۷۳/۳۹۶) و (۷۰/۹۹۱)، معنادار بودن ضرایب B را نشان می‌دهد. مقدار خیلی دو Model chi-square (۲۷۹/۳۷۷) در سطح معناداری (۰/۰۰۰) نشان می‌دهد تأثیر متغیر مستقل بر وابسته در سطح ۹۹ درصد اطمینان نیز معنادار است. ضریب مثبت میزان دینداری (B) نشان می‌دهد با افزایش میزان دینداری احتمال رأی‌دادن به اصول‌گرایان افزایش می‌یابد. به نمودار و تابع مربوط به رگرسیون لجستیک میزان دینداری و گرایش رأی‌دهی توجه کنید:

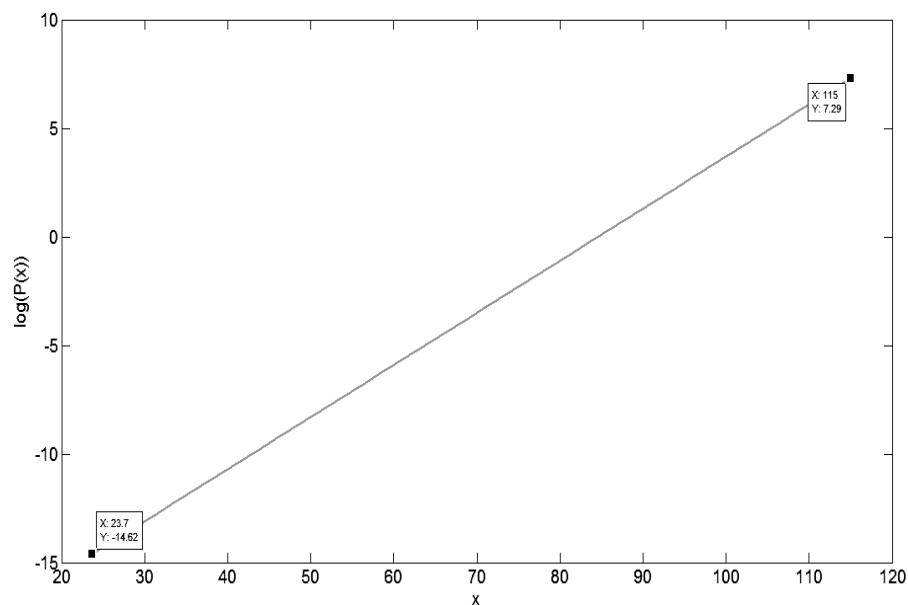


شکل ۳ نمودار احتمال گرایش رأی‌دهی (اصول‌گرایی) بر حسب میزان دینداری

مدل رگرسیون لجستیک با پارامترهای  $a$  و  $b$ :

$$p(x) = \frac{e^{-20/32+0/24x}}{1 + e^{-20/32+0/24x}}$$

از تابع و نمودار مشخص است که احتمال رأی دادن به اصول گرایان با افزایش دینداری صعودی است؛ همچنین با افزایش میزان دینداری احتمال رأی دادن به اصول گرایان به سمت ۱ و با کاهش آن احتمال به سمت صفر و برعکس احتمال رأی دادن به اصلاح طلبان افزایش می یابد. برای نشان دادن برخی ویژگی های رگرسیون لجستیک به کمک رگرسیون خطی، از تبدیل لجیت<sup>۱</sup> (لگاریتم احتمال متغیر وابسته) نیز استفاده کرده ایم که نمودار و تابع آن مشاهده می شود.



شکل ۴ نمودار لگاریتم احتمال گرایش رأی دهی (اصول گرایی) بر حسب میزان دینداری

مدل لجیت:

$$\text{Logit} = -20/3 + 0/24 \times x$$

براساس مدل لجیت مربوط به میزان دینداری و گرایش رأی دهی، به ازای ۱ نمره افزایش در میزان دینداری (x) لگاریتم احتمال متغیر وابسته (رأی به اصول گرایان) به اندازه ۰/۲۴ افزایش می یابد. بنابراین نسبت برتری  $\text{Exp}(B)$  (۱/۲۷۵) نشان می دهد یک نمره افزایش در متغیر میزان دینداری، احتمال رأی دادن به اصول گرایان را در  $e^{0/24} = 1/275$  ضرب می کند و به عبارت دیگر آن را افزایش می دهد. به بیان ساده تر، هرچقدر دینداری فرد بالاتر باشد، بیشتر احتمال دارد که به اصول گرایان رأی بدهد.

• فرضیه دوم: بین میزان دینداری دانشجویان و میزان مشارکت آنان در انتخابات رابطه وجود دارد؛ به این ترتیب که هرچه میزان دینداری دانشجویان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنان در انتخابات بیشتر است.

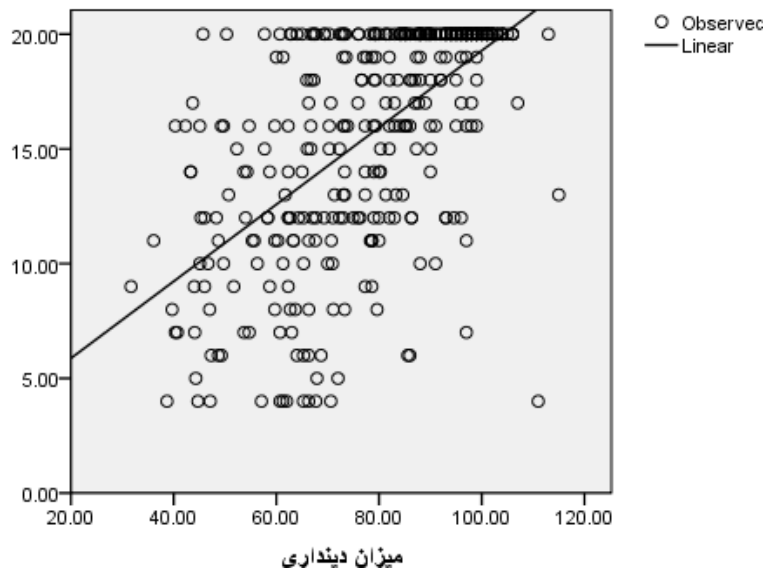
نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون در جدول شماره یازده گویای این است که ضریب همبستگی میزان دینداری و میزان مشارکت معادل ۰/۶۱ است ( $R=0/61$ ). علامت ضریب بتا نشان می دهد این رابطه مثبت است. ضریب تعیین  $R^2$  برابر با ۰/۳۷ است؛ به این معنا که نسبتی از واریانس متغیر (میزان مشارکت) که به وسیله متغیر میزان دینداری تبیین می شود، برابر با ۳۷ درصد است.

جدول ۱۱ نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون فرضیه دوم

(Constant)	(B)	(β)	(R <sup>2</sup> )	(R)
۲/۵۱۵	۰/۱۶۸	۰/۶۱۱	۰/۳۷۳	۰/۶۱۱
(Sig)	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰		

این همبستگی کاملاً معنادار است؛ چون سطح معناداری Sig آن کمتر از ۰/۰۱ است؛ بنابراین این رابطه به احتمال ۰/۹۹ معنادار است. نمودار پراکنش و معادله معمولی رگرسیون این رابطه که خطی است به این شکل است:





شکل ۵ نمودار پراکنش میزان مشارکت بر حسب میزان دینداری

معادله رگرسیون خطی:

$$Y = 2/52 + 0/17 (\text{میزان دینداری})$$

در معادله بالا اگر تأثیر متغیر مستقل (میزان دینداری) کنترل شود، عرض از مبدأ برابر با ۲/۵۲ است. در این معادله اگر میزان دینداری آزمودنی‌ها به اندازه ۱ نمره افزایش یابد، ۰/۱۷ به نمره مشارکت انتخاباتی آنها افزوده می‌شود.

معادله استاندارد رگرسیون زیر نشان می‌دهد تأثیر خالص (استاندارد) میزان دینداری بر مشارکت انتخاباتی برابر با ۰/۶۲ است. با توجه به اینکه یک متغیر مستقل داریم، مقدار بتا  $\beta$  با ضریب همبستگی برابر می‌شود. معادله استاندارد رگرسیون:

$$Y = +0/61 (\text{میزان دینداری})$$

بنابراین نتایج فرضیه دوم هم تأیید می‌شود.

### نتیجه گیری

براساس دستگاه نظری تحقیق و نظریه جنگ‌های فرهنگی، اعتقادات و اعمال مذهبی، خود القاکننده ترجیحات سیاسی و حزبی مشخص هستند. براساس این نظریه، کسانی که اعتقادات و اعمال دینی شدیدتر یا به عبارت دیگر دینداری قوی‌تری دارند، نسبت به برخی موضوعات فرهنگی خاص همچون همجنس‌بازی، سقط جنین، آزادی جنسی و... دیدگاه سنتی و بسته‌تری دارند؛ بنابراین به احزابی رأی می‌دهند که در این موضوعات با آن‌ها هم‌نظرند و محافظه‌کارانه رفتار می‌کنند. در مقابل، کسانی که دینداری ضعیف‌تری دارند، نسبت به این موضوعات فرهنگی دیدگاه بازتر و مدرن‌تری دارند و به احزابی رأی می‌دهند که در این‌گونه مسائل غیرسنتی و یا آزادتر رفتار می‌کنند. در ایران اختلافات فرهنگی بین دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرا بر سر موضوعات یادشده نیست؛ اما با تقلیل اختلافات گفته‌شده به اختلافاتی در سطح حجاب و پوشش زنان در جامعه، رابطه دختر و پسر، فیلترینگ سایت‌ها و... می‌توان گفت افراد دیندارتر نسبت به کسانی که دینداری کمتری دارند، در این‌گونه موارد سنتی‌تر عمل می‌کنند. در نهایت افراد براساس میزان دینداری‌شان به دو جناح اصلی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب، که در موضوعات فرهنگی دو موضع متفاوت دارند، رأی می‌دهند؛ چنان‌که گذشت نتایج تحقیق این استدلال نظری را تأیید می‌کند.

تحقیقاتی که با عنوان رابطه میزان دینداری و میزان مشارکت در انتخابات انجام شده است، زمینه طرح این فرضیه را آماده کرد: میزان دینداری بیشتر به میزان مشارکت بیشتر در انتخابات منجر می‌شود. استدلال ما هم این بود که با توجه به شرایط دینی نظام سیاسی موجود در کشور ما، کسانی که دارای میزان دینداری بیشتر هستند برای پابرجایی نظام سیاسی که دینی است، بیشتر در انتخابات شرکت می‌کنند و نتایج تحقیق نیز این استدلال را تأیید می‌کند. بنابراین هر دو فرضیه این تحقیق تأیید می‌شود و نتایج نیز با دستگاه نظری تحقیق مطابقت دارد.

در پایان پیشنهاد می‌شود رفتار انتخاباتی در سطوحی گسترده‌تر از موارد گفته‌شده، ازجمله میزان و سطح فعالیت در انتخابات طراحی و رابطه آن با میزان دینداری سنجیده شود. با توجه به نوع نمونه‌گیری تحقیق، تجدید پژوهش با نمونه‌گیری احتمالی در سطح چند دانشگاه نیز درخور پیگیری است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. به کسانی می‌گویند که دست‌کم هفته‌ای یک‌بار در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند.
۲. کسانی که هرگز در مراسم دینی شرکت نمی‌کنند.
۳. اغلب تحقیقات مرور شده، میزان دینداری را با اهتمام فرد به یک بعد و یا تنها اهتمام به معرف میزان کلیسا رفتن سنجیده‌اند که این بیشتر به سنجش دینداری نزدیک است تا میزان آن ر. ک: Macaluso & Wanat, 1979; Hyman & Wright, 1971; Strate Et. al, 1989; Secret Et. al, 1990; Williams, 1999; Jones-Correa & Leal, 2001; McKenzie, 2004a.
۴. تحقیقات پیشین از چنین سنجش‌های برای سنجش رفتار انتخاباتی (گرایش رأی‌دهی) استفاده کرده‌اند: Busch, 1998: 126-127; Kim, 2006: 243-244; Kotler & Berkowitz, 2001: 535.
۵. حبیب‌زاده، رامین. (۱۳۸۴). *بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان دانشگاه تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۶. محمدرضا پویافر (۱۳۸۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان *بررسی مقایسه‌ای سنجش‌های دینداری*، سنجش‌های دینداری گلاک و استارک، شجاعی‌زند و یک سنجش روان‌شناختی (خدایاری‌فر) را با هم مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده است که اعتبار و پایایی هر سه سنجش در سطح مناسب و مطلوبی است.
۷. جزء آزمون‌هایی است که میزان برازش مدل را نشان می‌دهد.

### منابع

- ابوالحسنی، سیدرحیم. (۱۳۸۴). «نگرش و گرایش سیاسی مردم (اصلاح‌طلبی یا محافظه‌کاری)». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. ش ۶۹.
- احمدی، حمید. (۱۳۸۳). *قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه تا واقعیت*. چ ۴. تهران: نشر نی.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۶۹). *تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته*. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.

- اینگلهارت، رونالد و پپیا نوریس. (۱۳۸۷). *مقدس و عرفی، دین و سیاست در جهان: کندوکاوی در جوامع مذهبی و غیرمذهبی جهان*. ترجمه مریم وتر. تهران: کویر.
- ایوبی، حجت‌الله. (۱۳۷۷). «مشارکت انتخاباتی (علل و انگیزه‌ها)». *مجموعه مقالات مشارکت سیاسی*. به کوشش علی‌اکبر علیخانی. تهران: سفیر.
- برگر، پیترا. (۱۳۸۰). *افول سکولاریزم (دین خیزش‌گر و سیاست جهانی)*. ترجمه افشار امیری. تهران: پنگان.
- بهمنی طراز، قدیر. (۱۳۷۹). *عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان در دانشگاه‌های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- باتنام، رابرت. (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- پویافر، محمدرضا. (۱۳۸۶). *بررسی مقایسه‌ای سنجه‌های دینداری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم).
- پیشگاهی‌فرد، زهرا. (۱۳۸۰). «سیمای جغرافیایی انتخابات پارلمانی استان همدان». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*. تابستان و پاییز. ش ۱۵۸ و ۱۵۹.
- حبیب‌زاده، رامین. (۱۳۸۴). *بررسی انواع دینداری در بین دانشجویان دانشگاه تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- درزی، علی. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی انتخابات: تحلیل الگوی رفتار انتخاباتی مردم استان مرکزی در هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- راش، مایکل. (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: سمت.
- ربیعی، علی. (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶*. تهران: فرهنگ و اندیشه.

بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با ... \_\_\_\_\_ محمدرضا طالبان و همکار

- رضی، داوود. (۱۳۸۰). «بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ۷۲-۵۸». *مجله علوم انسانی الزهراء*. س ۱۱. ش ۳۷ و ۳۸. بهار و تابستان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). *بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۲*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸). *کندوکاوها و پنداشته‌ها*. چ ۱۰. تهران: انتشار.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. ج ۱. چ ۹. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سراج‌زاده، سیدحسین و مهناز توکل. (۱۳۸۰). «بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی». *فصلنامه نامه پژوهش*. س ۵. ش ۲۰ و ۲۱. صص ۱۵۹-۱۸۸.
- سراج‌زاده، سیدحسین و محمدرضا پویافر. (۱۳۸۶). «مقایسه تجربی سنجه‌های دینداری: دلالت‌های روش‌شناسانه کاربرد سه سنجه در یک جمعیت». *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۸، ش ۴.
- شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دینداری در ایران». *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۶، ش ۱.
- شهیدی‌نیا، علی. (۱۳۷۹). *عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی (ترجیحات رأی‌دهی) رأی‌دهندگان استان کرمانشاه طی دوره اول تا پنجم شورای اسلامی از دیدگاه کارشناسان استان کرمانشاه*. دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
- آل‌غفور، محمدتقی. (۱۳۷۵). «نقش فرهنگ در ساختار سیاسی ایران معاصر». *فصلنامه نقد و نظر*. س ۳. ش ۷ و ۸.
- کینیر، پل و کالین گری. (۱۳۸۳). *کتاب آموزشی SPSS 10*. مترجم اکبر فتوحی اردکانی. چ ۵. تهران: آصال.

- گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم اجتماعی*. ویراستار محمدجواد زاهدی مازندرانی. تهران: مازیار.
- لازارسفلد، پُل فیلیکس، برنارد برلسون و هاتسل گودت. (۱۳۸۲). *انتخاب مردم: چگونه مردم در انتخابات ریاست جمهوری تصمیم می‌گیرند*. ترجمه محمدرضا رستمی. تهران: تیلور.
- لپیست، سیمور مارتین. (۱۳۸۳). *دایرةالمعارف دموکراسی*. سرپرستان مترجم کامران فانی و نورالله مرادی. ویراستاران محبوبه مهاجر و فریرز مجیدی. تهران: وزارت امور خارجه، کتابخانه تخصصی.
- مونتی، پالمر، چارلز گیل و لاری اشترن. (۱۳۷۲). *نگرشی جدید به علم سیاست*. ترجمه منوچهر شجاعی. تهران: وزارت امور خارجه.
- Alford, Robert R. (1967). "Class Voting in Anglo-American Systems". in Seymour Martin Lipset and Stein Rokkan (Eds). *Party Systems and Voter Alignments*. New York: The Free Press. PP. 67-93.
- \_\_\_\_\_ (1973). *Party and Society*. Westport, Conn: Greenwood Press.
- Bartle, John. (1998). "Left-Right Position Matters, but Does Social Class? Causal Models of the 1992 British General Election". *British Journal of Political Science*. 28, PP. 501-29.
- Beit hallahmi, Benjamin and Michael Argyle. (1997). *The Psychology of Religious behaviour, belief and experience*. Routledge.
- Busch, Beverly G. (1998). *Faith, Truth, and Tolerance: Religion and Political Tolerance in the United States*. dissertation for the Degree Doctor of Philosophy. University of Nebraska, Lincoln.
- Butler, David & Donald Stokes. (1969). *Political Change in Britain: Forces Shaping Electoral Choice*. New York: Macmillan.

- Dennis, Jack. (1987). "Groups and Political Behavior: Legitimation, Deprivation and Reconsidered: Evidence from Across - Cultural Study". *Social Forces*. 54(4): PP. 866-889.
- Egmond, Marcel Van, Nan Dirk De Graaf, Cees Van Der Eijk. (1998). "Electoral participation in the Netherlands: Individual and contextual influences". *European Journal of Political Research*. 34: PP. 281-300.
- Glock, Charles Y. & Rodney Stark. (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally & Company.
- Greeley, Andrew. (1997). "Coleman Revisited: Religious Structures as a Source of Social Capital." *American Behavioral Scientist*. 40:587-594.
- Green, John C. (2007). *The faith factor: how religion influences American elections*. Westport US: Praeger Publishers.
- Guth, James, and John Green. (1991). *The Bible and the Ballot Box: Religion and Politics in the 1988 Election*. Boulder. CO: Westview.
- Heath, Anthony, Roger Jowell and John Curtice. (1985). *How Britain Votes*. Oxford: Pergamon Press.
- Hunter, James Davison. (1991). *Culture Wars: The Struggle to Define America*. New York: Basic Books.
- \_\_\_\_\_ (2006). *Is there a culture war? A dialogue on values and American public life*. Washington, D.C: Brookings Institution Press.
- Hyman, H. & C. R. Wright. (1971). "Trends in voluntary association memberships of American adults: Replication based on secondary analysis of national sample surveys". *American Sociological Review*. Vol. 35, PP. 191-206.
- Jeremy, Freese. (2004). "Risk preferences and gender differences in religiousness: Evidence from the world values survey". *Review of religious research*. Vol. 46, No.1.

- Jones-Correa Michael A. & David L. Leal. (2001). "Political participation: Does religion matter?". *Political Research Quarterly*. Dec, 54, 4. Academic Research Library. P. 751.
- Kim, Junghyun. (2006). "Religion and Political Attitudes in South Korea". Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, university of tennessee, knoxville.
- Kotler, A. & Laurence-Berkowitz. (2001). "Religion and Voting Behaviour in Great Britain: A Reassessment". *British Journal of Political Science*. Vol. 31, No. 3, PP. 523-554.
- Layman, Geoffrey & Edward Carmines. (1997). "Cultural Conflict in American Politics: Religious Traditionalism, Post materialism, and U.S. Political Behavior". *Journal of Politics*. 59:PP. 723-750.
- Layman, Geoffrey. (2001). *The Great Divide: Religious and Cultural Conflict in American Party Politics*. New York: Columbia University Press.
- Lipset, S. M. & Rokkan Stein. (1967). *Party Systems and Voter Alignments: Cross-National Perspective*. NY, Free Press.
- Lipset, Seymour. (1964). *Religion and Politics in the American Past and Present*. In Religion and Social Conflict, edited by R. Lee and M. Marty. New York: Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_ (1964). "Religion and Politics in the American Past and Present" in *Religion and Social Conflict*. Edited by R. Lee and M. Marty. New York: Oxford University Press.
- Lizardo, Omar and Jessica L. Collet. (2006). *Why Biology is not (Religious) Destiny: A Second Look at Gender Differences in Religiosity*. University of Notre Dame.



- Macaluso, Theodore F. & John Wanat. (1979). "Voting Turnout & Religiosity". *Polity*. Vol. 12, No. 1, PP. 158-169.
- Marshall, Gordon. (1966). *Oxford Concise Dictionary of Sociology*. Oxford, Oxford University Press.
- McCormick, Richard. (1986). *Party, Period, and Public Policy*. New York: Oxford University Press.
- McKenzie, Brian D. (2004a). "Religious Social Networks, Indirect Mobilization, and African-American Political Participation". *Political Research Quarterly*. Vol. 57, No. 4, PP. 621-632.
- \_\_\_\_\_ (2004b). *Voluntary Choices Religious Mobilization And Political Participation In America*. dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy. University of Michigan.
- Miller, Alan S. & Rodney Stark. (2002). "Gender and Religiousness: Can Socialization Explanations Be Saved?". *American Journal of Sociology*. The University of Chicago.
- Miller, Warren, & Merrill Shanks. (1996). *The New American Voter*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Pulzer, Peter G. J. (1967). *Political Representation and Elections in Britain*. London: Allen & Unwin.
- Putnam, Robert D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon and Schuster.
- Rose, Richard & Ian McAllister. (1986). *Voters Begin to Choose*. London: Sage Publications.
- Sarlvick, Bo & Ivor Crewe. (1983). *Decade of Dealignment: The Conservative Victory of 1979 and Electoral Trends in the 1970s*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Secret, E. Philip, James B. Johnson, Audrey W. Forrest. (1990). "The Impact of Religiosity on Political Participation and Membership in Voluntary Associations Among Black and White Americans". *Journal of Black Studies*. Vol. 21, No. 1, The Emerging African-American Environment. PP. 87-102
- Smith H. Lovell, Anthony N. Fabricatore, Mark Peyrot. (1999). "Religion, Well-Being, and Civic Participation among African American Men: A National Comparison". *Journal of African American Men*.
- Stark Rodney & Charles Glock. (1970). *American Piety: The Nature of Religious Commitment*. University of California Press.
- Strate, John M., Charles H. Parrish, Charles D. Elder, and Coit Ford. (1989). "Life Span Civic Development and Voting Participation". *American Political Science Review*. 83:PP. 443-64.
- Sullins. D. Paul. (2006). *Gender and Religiousness: Deconstructing Universality, Constructing Complexity*. The Catholic University of America, Washington.
- Swatos. H. William. (1994). *Gender and Religion*. transaction Publisher.
- Swierenga, Robert. (1990). "Ethnoreligious Political Behavior in the Mid-Nineteenth Century: Voting, Values, and Culture" in *Religion and American Politics*. M. Noll (Ed.). New York: Oxford University Press.
- Swierenga, Robert. (1990). "Ethnoreligious Political Behavior in the Mid-Nineteenth Century: Voting, Values, and Culture" in *Religion and American Politics*. M. Noll (Ed.). New York: Oxford University Press.
- Verba, Sidney, Kay Lehman Schlozman and Henry Brady. (1995). *Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics*. Cambridge.MA: Harvard University Press.

بررسی تجربی ارتباط سطوح دینداری با ... \_\_\_\_\_ محمدرضا طالبان و همکار

- Williams, Sabrina Diane. (1999). *African-American religious experience and political participation in an urban setting*. dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy Wayne State University, Detroit. Michigan.
- Wood, Richard. (1997). "Social Capital and Political Culture: God Meets Politics in the Inner City". *American Behavioral Scientist*. 40595-605.
- Wuthnow, Robert. (1988). *The Restructuring of American Religion*. Princeton, NJ: Princeton University Press.